

Translation and the Leftist Philosophical Discourse in the Pahlavi Period in Iran

Parviz Rassouli

Department of English Translation Studies, Allameh Tabataba'i University, IRAN

parvizrassouli@yahoo.com

ABSTRACT

Translation has always contributed to trajectory of thought throughout history, leaving its traces in various intellectual processes and products. The history of thought in contemporary Iran also bears witness to the pivotal role of translation. As such, translation has become a sine qua non of the Iranian encounter with modern philosophies, with Leftist (or Marxist) philosophy being among the most influential. Having found its way into the Iranian context during the Pahlavi period, Leftist philosophy owes its Persian reception to translation, yet the topic remains a neglected area of research in both translation studies and historical research. Located at the intersection of translation studies and intellectual history, an in-depth analysis of translation and reception of Leftist philosophy in the Pahlavi period needs due attention.

This thesis examined the translation and reception of Leftist philosophy during the four decades of the Pahlavi period in Iran (from 1310/1931 to the end of 1349/1970). It explored how translation contributed to the formation and transformation of Leftist philosophical discourse (LPD) within Iranian-Islamic discourses, as well as the various modes and functions it took on in this process. As a translation-focused intellectual history, the study adopted Foucault's archaeology as an analytical approach to examine the topic. Several Persian bibliographies were consulted, leading to the identification of 35 translated and authored works directly related to the three core themes of Leftist philosophy: materialism/idealism, dialectics/metaphysics, and dialectical materialism. Then the bibliographical data on the works was compiled from printed and digital sources. Through a library-archival protocol, a rigorous content analysis was conducted, in which the works were carefully read for their discursive statements on the aforementioned themes. The statements were

then systematically reviewed and categorized, leading to the identification of six discursive formations shaping the Persian reception of Leftist philosophy.

Foucault's archaeological method was used to analyze each discursive formation with an eye to translation. This uncovered various facets of the reception of Leftist philosophy, revealing discursive transformations and shedding light on the Iranian-Islamic engagement with Marxist philosophy. The results revealed different encounters with Marxist philosophy, including various kinds of readings (scientific, ideological, or merely philosophical), eclectic reformulations, and refutations within Iranian-Islamic discourses. Moreover, the analysis unveiled two modes of translation operative in the reception scene: the textual mode and the discursive mode. Materialized in proper translations, rewritings, commentaries, and critiques, both modes were found as constitutive of the Persian reception of Leftist philosophy. The findings were juxtaposed with Javad Tabatabai's reflections on the history of thought in Iran, offering a conceptualization of translation as a condition of (im)possibility of thought indicative of the translated nature of philosophy in particular, and any intellectual activity in general.

KEYWORDS: archaeology, intellectual history, Leftist philosophy, Pahlavi period, reception, translation of philosophy

Completion of Thesis

Place: Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Year: 2024

Supervisor: Dr. Farzaneh Farahzad, Professor in Translation Studies at Allameh Tabataba'i University

ترجمه و گفتمان فلسفی چپ‌گرا در دوران پهلوی در ایران

ترجمه همواره در سیر تطور اندیشه در طول تاریخ نقش‌آفرین بوده و ردپای خود را در فرایندها و فرآورده‌های فکری بشر بر جای گذاشته است. تاریخ اندیشه در ایران معاصر نیز گواهی بر نقش محوری ترجمه دارد. از این رو، ترجمه به ضرورتی انکارناپذیر در مواجهه ایرانیان با فلسفه‌های جدید بدل شده است که در میان آن‌ها می‌توان فلسفه چپ‌گرا یا فلسفه مارکسیستی را از تأثیرگذارترین جریان‌ها قلمداد کرد. فلسفه چپ‌گرا در دوره پهلوی وارد فضای فکری ایران شد و دریافت آن در زبان فارسی عمدتاً از طریق ترجمه صورت گرفت، اما این موضوع هم در مطالعات ترجمه و هم در تاریخ فکر مغفول مانده است. بررسی نقش ترجمه در دریافت فلسفه چپ‌گرا در دوره پهلوی، آن هم در نقطه تلاقی مطالعات ترجمه و تاریخ فکر، نیازمند توجهی شایسته است.

این رساله دکتری به بررسی ترجمه و دریافت فلسفه چپ‌گرا در طی چهار دهه از دوره پهلوی (از 1310 تا پایان 1349) پرداخت. در این پژوهش، نقش ترجمه در شکل‌گیری و تحول گفتمان فلسفی چپ‌گرا در بستر گفتمان‌های ایرانی-اسلامی بررسی شد و گونه‌ها و کارکردهای گوناگون ترجمه در این فرایند تحلیل گردید. پژوهش حاضر، به‌عنوان نوعی تاریخ فکر متمرکز بر ترجمه، از روش بایگان‌شناسی فوکو برای تحلیل موضوع بهره جست. ابتدا، با رجوع به کتاب‌شناسی‌های فارسی، ۳۵ اثر تألیفی و ترجمه‌ای در فارسی شناسایی شد که به‌طور مستقیم به سه مضمون اصلی در فلسفه چپ‌گرا یعنی ماتریالیسم/ایدئالیسم، دیالکتیک/متافیزیک و ماتریالیسم دیالکتیک پرداخته بودند. سپس، اطلاعات کتابشناختی این آثار از منابع چاپی و دیجیتال جمع‌آوری شد. با اتکا بر شیوه کتابخانه‌ای-آرشیوی، آثار شناسایی‌شده به‌طور دقیق مورد تحلیل محتوا قرار گرفت و احکام گفتمانی ناظر بر مضامین مزبور کشف و ثبت شدند. مرور و مقوله‌بندی احکام گفتمانی منجر به شناسایی شش صورت‌بندی گفتمانی شد که هر یک بخشی از دریافت فلسفه چپ‌گرا را شکل داده بودند.

سپس، صورت‌بندی‌های گفتمانی با استفاده از بایگان‌شناسی فوکو و با نظر به ترجمه مورد تحلیل قرار گرفتند که طی آن جوانب مختلف دریافت فلسفه چپ‌گرا و تحولات گفتمانی آن روشن شد و نیز نحوه مواجهه رویکردهای ایرانی-اسلامی با فلسفه مارکسیستی مشخص گردید. نتایج نشان داد که مواجهه با فلسفه مارکسیستی در ایران اشکال متنوعی داشته، از قرائت‌های علمی و ایدئولوژیک یا صرفاً فلسفی گرفته تا بازپرداخت‌های التقاطی و حتی نقدها و ردیه‌های که در چهارچوب گفتمان‌های ایرانی-اسلامی طرح شده‌اند.

همچنین، نتایج تحلیل حاکی از دو گونه ترجمه یعنی ترجمه متنی و ترجمه گفتمانی بود که هر دو در قالب ترجمه‌ها، بازنویسی‌ها، شروح و نقدهای مختلف عینیت یافته و دریافت فلسفه چپ‌گرا در فارسی را قوام بخشیده بودند. در پایان، یافته‌های پژوهش در نسبت با تأملات جواد طباطبایی درباره تاریخ اندیشه در ایران مورد تفسیر قرار گرفت و ترجمه به عنوان شرایط امکان/امتناع اندیشه مفهوم‌پردازی شد که می‌تواند حاکی از ماهیت ترجمه‌ای فلسفه به‌طور اخص و هر نوع فعالیت فکری به‌طور اعم باشد.

کلیدواژه‌ها: بایگان‌شناسی، تاریخ فکر، فلسفه چپ‌گرا، دوران پهلوی، دریافت، ترجمه فلسفه